

EXHIBIT C

Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	وقتی که مردی آقای سویفت میخواست کردید گفتید که ۱۲-۱۳ نفر آنها از خانه داخل شدند.	When you were talking to Mr. Swift you said some 12-13 people came in to the room. Right?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	وقتی که آنها آمدند شما چند نفر بودید؟ در این قسمت اطلاع فضیله بودید.	When they came, you said they sat on this side of the room. Right?
Witness	بلی. بعضی ما در اینجا ایستادند و بودند.	Yes. Some were standing here and others were standing there.
Interpreter	طبقاً روایت دیگر امریکایی ها در اینجا در وسط ایستاده بودند.	According to the record the Americans were here and there and the others were standing round the center. Right?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	و مثلی، یک شنبه ۱۴ تیر یکی از عساکر امریکایی در پشت پرده واقعه داشت.	You said one of the American soldiers walked behind this curtain. Right?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	بده گفتند شما وقتی که او را کاری در پشت پرده رفته اید اور ۵۰	According to you when the American walked behind the curtain you heard a shot. Right?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	آقا آقی قادر شما چندین بیانات در این قضیه داشتید؟	Mr. Qadeer you made a number of statements about this case. That's right?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	و هم در این مورد با احیانی مردم هم صحبت کردید.	You talk to lots of people about this case. Right?
Witness	من با وزارت خود صحبت کردم.	I talked to my ministry.
Interpreter	شما با وزارت داخله صحبت کردید؟	You talked to the MOI. Right?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	و خواهرای اینجنت مای FBI هم صحبت کردید؟	And you also talked to the FBI agents too. Right?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	آنها به نام FBI موسسات مخفی	They are known as the FBI?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	۵ که در ۵ آگوست ۲۰۰۸ در پنجم اکتم ۲۰۰۸ مشهود است.	Once you were interviewed on 5th August 2008?
Witness	بلی. آگوست این ماه بود که به من آزادی که شماره پاسپورت و یاری داشتم	Yes. Is this the one who asked me for my passport, no?
Interpreter	آنها شما را فقط از خواهید پرسید که آیا شما به یاد دارید ۲۵ اکتم ۲۰۰۸ محاججه شدید؟	Mr. Qadeer I just want to ask: do you remember that you were interviewed in August?
Witness	یک زن و یک مردی که آنها بودند؟	There was a lady and a man?
Interpreter	من و ۱۷ عکس نشان میدهم. آقا شما اینها را میشناسید. این ماه اینچند FBI آنست که عکس شما را در آرکید در این اطاعت؟	I'll show you a picture. Do you recognize this picture? Is that the same room where you were interviewed? The FBI agent took this picture of you here?
Witness	بلی. اینها عکس من درباره میخواستند. این من این مقصودم ۱۷ اینجا نشستم.	Yes, this is the same picture I was talking about. This is me sitting there.
Interpreter	وقتی که عکس شما را در آرکید از هم خیلی از موارد هم پرسیدند	If you remember when they took your picture they did ask you a lot of questions. Right?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	د این در ماه اکتم ۲۰۰۸ بود.	And that was about August 2008. Remember

		پسی شاید.	that?
Witness		Yes maybe.	
Interpreter		آن کارمندان مترجم هم همراه داشتند؟	They had an interpreter with them. Remember that?
Witness		بلی.	Yes.
Interpreter		و آن کارمندان به شاگردانشان در قدر مطابقانی که در راهه این قضیه داشتند بده آنها بودند.	Those two FBI told you to give them as much as information as you have about this case?
Witness		بلی.	Yes.
Interpreter		د چون هي 31 سال در پولیس هم کار کردیده هي بودند که يك شخصی که فهماده بودند باید تمام جاذبیات 45 او میخواست را اظهار کند.	And as you have worked for 31 years in police, you know that a person as a witness should tell everything he knows?
Witness		بلی.	Yes.
Interpreter		و آن کارمندان FBI از شما در مورد این قضیه سوالاتی هم داشتند.	And that FBI agent asked you questions about what happened and what you saw?
Witness		بلی.	Yes.
Interpreter		و شما به کارمندان FBI گفتند که شما با امریکایی ها یک ملاقات داشتید که تا پر در.	And you told the FBI agent that when you had a joint meeting with the Americans the gunshot came?
Witness		بن علی آنها کنتم ما افغانی هم بودند. دادگاه ولی امریکایی هاده ای داشتند.	I told them that we Afghans had our own meeting but Americans came in.
Interpreter		او این حقیقت تذاری که ضایعه FBI گفتند که در دوران پوششی دو اطاق جنبد فایر دادند.	Isn't it true that you told the FBI that during this meeting there were several shots in the room during that meeting?
Witness		بلی این درست است.	Yes it's true.
Interpreter		و آیا این دست است که شاگردی که صدای تیر از پشت پرده امده.	And is that true that you said that the sound of firing came from behind the curtain?
		NEXT VIDEO CLIP	NEXT VIDEO CLIP
Interpreter		وقتی که شما صدای فایر را شنیدید فکر کردید که از پشت پرده امده.	When you heard the sound of the gunshot you thought it was from behind the curtain?
Witness		بلی.	Yes.
Interpreter		آیا آن دست که شما به اینجا FBI گشته بودید که وقتی که آن را از پشت امریکایی ها طرق، از پرده خیز زدند؟	Is that true that you said to the FBI agent that when the shot occurred, Americans were diving towards the curtain side?
Witness		غیر من گفتم که وقتی که آمریکایی های در آن طرف پرده تیر شد صدای ای از پرده امده.	No, I said as the American went there, then the sound of the gunshot came.
		آیا این درست است که فنا در مصاحبه عواد کارکرده بودید که قبل از شاهدانه صدای فایر گدام امریکایی را شنیدید که در پشت پرده بودند؟	Is that true that you said in the interview that you never saw an American soldier walking behind the curtain before the gunshot?
Witness		غیر من گذا نم که وقتی که فنا در مصاحبه عواد کارکرده بودید که قبل از شاهدانه صدای فایر گدام امریکایی را شنیدید که در پشت پرده بودند.	No, I said then American soldier went behind the curtain and the sound of a gunshot came.
Interpreter		و شما با سارتوول امریکایی و آمر تطبیقی آنها در آن ماه میتوانید صحبت کردید؟	And you also talked to the American prosecutor and law enforcement agent about this?
Witness		بلی.	Yes.
Interpreter		و این در ماه اکتوبر 2008 بود.	This was October of 2008?
Witness		بلی.	Yes.

Interpreter	و سارتوول و آندر افها با مترجم بوده	And the prosecutor and their agent were with an interpreter?
Interpreter	بلی.	Yes.
Interpreter	و سارتوول و آندر افها که آندر که آندر آنها برای مصاحبه با آندر	And the prosecutor and the agent told you they were there to interview you?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	و گفتند به هم که از تلاطع این با مدعای جنایی است؟	And told you this was in connection with the criminal trial. Right?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	و نیز گفته که ناید امکان معلوم نهاد و مخواهد؟	They also told that they needed as much information as possible. Correct?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	و آنها آن را درین امور که آنها اینست که آنها مسأله کنند که آنها مسأله مسیحی را با تندی امروزی دیده بودند.	And is it true that you told the agent that you saw Afia Siddiqui with the American rifle?
Witness	غیر.	No.
Interpreter	و آنها این درست است که هم در آن مسأله کنند که آنها مسأله مسیحی را با تندی دیدند که آنها میخواستند را لای دیگران را کشند؟	And is that true that you said during that interview you said you saw the woman having a gun and wanted to kill others?
Witness	غیر.	No.
Interpreter	و آنها این حقیقت دارد که بعده از شهادت مدعای قاتل را خود کنند که در آن شهادت مدعای قاتل را خود کنند.	And is that true that during that interview you said to yourself that you should get out of here after the sound of gunshot?
Witness	بلی همکنون در تکر دویتن بودم و هم.	Yes, everyone wanted to escape and so did I.
Interpreter	آن به واد دارید که در آن مسأله کنند که آنها مسأله مسیحی را دیدند و مخواستند دیگران را بکشند.	Do you remember you said during that interview that you thought Afia Siddiqui had a gun and wanted to kill everyone?
Witness	غیر.	No.
Interpreter	و آنها فخر ایا آن درست است که آنها به آنها کنند که آنها کدام سریال امروزی را دیدند که در پشت پرده بروند؟	And Mr. Qadeer isn't that true that you said you saw no American walking behind the curtain?
Witness	غیر.	No.
Interpreter	فرا در دوران مصاحبه با آنون اصل نگفتند که آمریکایی پشت پرده را داشت و فقط مدعای قاتل آمد.	During that interview at no point you told the agent that the American walked behind the curtain and then came the gunshots?
Witness	غیر.	No.
Interpreter	و همای وزارت داخله هم در این مورد صحبت کردید؟	You also talked to the MOI about what happened. Right?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	حال مسوال من اینست که من میخواهم بدانم که آنها اینها در این زمان غیرمه دولت اینها باشند.	Now my question at this point is: is this your signature on this paper?
Witness	بلی اینها من در اینجا هستند.	Yes, my signature is there on it.
Interpreter	و همای این را امضا کردند.	And you signed this document?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	آنها این را به باد دارند که این را امضا کردند.	Do you remember signing this document?
Witness	بلی.	Yes.

Interpreter	این این چیزیت دارد که این چیزیت خلاصه غام واقعیات در آن روز گردید.	Is that true that this document is the summary of the things that happened that day?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	این این درست است که یک فرمانده این افسناد را کوپید که آن زن روزی افکار عسکری او ریگایی گیری شد و سلاحش را کسر کرد.	Is this true that a part of this document says that the woman jumped on the American friend's ammunition and got a hold of their ammunition?
Witness	این شاید نوشته باشد وای درست نمیست.	It may be written so but it's not true.
Interpreter	ولی من امضا کردیدم.	But you did sign it?
Witness	معاون روابط خارجی امضا کرد.	The deputy director made me sign it.
Interpreter	ولی خودت امضا کردیدم.	But you signed it?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	نمایندگان خود را در حدود پنج یا شش نفر دیگر.	You and other five or six other people?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	آنچه قدری شناخت ام افای سویفت ادیرا ملاقات نداشت.	Mr. Qadeer, you met with Mr. Swift recently. Right?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	دقیقه آخر چه وقت ملاقات کردیدم.	What was the last time you met?
Witness	حدوداً 15 روز پیش.	Approximately 15 days back.
Interpreter	این همه بیان شما که پیشتر داشت.	Was that your statement?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	نمایندگان خود را در ملاقات کردیدم.	Did you meet any investigators?
Witness	خواست.	No.
Interpreter	نمایندگان افای سویفت در کجا ملاقات کردیدم.	Where did you meet with Mr. Swift?
Witness	در هتل جا.	Here in this place.
Interpreter	این هتل.	This hotel?
Witness	این یک مرد بیکار بیلچاره.	No, this other one there.
Interpreter	و چرا با آنها درباره این وقایع صحیح کردیدم.	And you talked to him about what happened?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	نمایندگان دیدن به دستوراتن آمدیدند.	For that meeting how did you get here?
Witness	ایشان گفتند که بیانشون من هم در این دستورات اند.	He said he wanted to meet and I came here in the restaurant.
Interpreter	این همه تذکری هاییست که نشان دیدم.	These are the marks that you have identified in this diagram. Right?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	و چه مقصدی که جای خود را هم در اینجاست.	And you identified the bullet holes here?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	و این در وین کالین و در دیوار اینجا.	And you said it is between the window and the wall?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	و این دقیقاً مقابل جلوی که پرده باز است.	And this is exactly opposite to the place where the curtain was open. Right?
Witness	بلی.	Yes.

Interpreter	و ۱۰ جای مزمن مادر همان داده و واقع شد؟	And those bullet holes happened on the day of incident. Right?
Witness	بلی	Yes.
Interpreter	پس از روزیم در موقع که مذاکر امروزی آغاز شد، آنها ۱۳ یا ۱۴ نشسته بودند؟	Back to the time when the American soldiers came in, there were 13 or 14?
Witness	بلی	Yes.
Interpreter	وقتی که امریکایی ها داخل آمدند در اطاق بسیار بزرگ از بودند؟	When the Americans came, in this room was a crowd. Right?
Witness	بلی	Yes.
Interpreter	این عکس، آنست که در آن دید که در اینجا نشسته بودند؟	This is the picture on that day where you were sitting here. Right?
Witness	بلی	Yes.
Interpreter	و شما در نشسته در اینجا در پیش از نهضتی از دیدید؟	You were sitting here on the diagram next to the couch. Right?
Witness	بلی	Yes.
Interpreter	وقتی که امریکایی ها داخل آمدند آن در اینجا نشسته بودند؟	When the Americans came in, the woman was here behind the curtain. Right?
Witness	بلی	Yes.
Interpreter	در آن وقت او رسته نبود؟	At that time she was not restrained. Right?
Witness	بلی	Yes.
Interpreter	و هیچ کسی در پشت پرده مرا به او نمی بود؟	And nobody was there with her behind the curtain. Right?
Witness	بلی	Yes.
Interpreter	شما گفتید ۲۰ دقیقه پیش از نهضتی در پشت پرده بودید	You said you saw a soldier walk in there behind the curtain. Right?
Witness	بلی	Yes.
Interpreter	وقتی ۲۰ دقیقه پیش از نهضتی شما می دانستید که عاقیله صدیقی دو بار فرار حم افغانستان به فرانسه کرد بودند؟	When the soldier went behind the curtain, you knew that Afia Siddiqui had tried to escape twice before. Right?
Witness	بلی	Yes.
Interpreter	و شما می دانستید که عاقیله صدیقی عیغواند که به آمریکایی ها تسلیم شود؟	You knew that Afia Siddiqui didn't want to be handed over to the Americans. Right?
Witness	بلی	Yes.
Interpreter	و دوبار قیلا هم فنا را تهدید کرد جواب	And she had threatened you earlier. Right?
Witness	بلی	Yes.
Interpreter	و شما امسال آن مربیان را باز آمدید خریقت آنها نکردید؟	You never warned the soldier about this fact. Right?
Witness	خوب، من غذای از جنگی به امریکایی نمی بگویم.	No, I can't tell anything to the Americans.
Interpreter	خواسته اید که آن امریکایی ها چیزی نکنند	So you didn't say anything to that soldier?
Witness	خوب	No.
Interpreter	دوچ کسی دوکار هم به آن امریکایی ها چیزی نکنند	No other Afghan in the room said anything to that soldier. Right?
Witness	خوب	No.
Interpreter	و شما به عاقیله صدیقی وعده کردید و وعده که شما از این امریکایی ها ما تسلیم نمی کنید؟	And you had promised that you would not hand her over to the Americans. Right?

Witness	باز.	Yes.
Interpreter	وقتی که هم آن شخص را در پشت که عمرود در پشت برد هم از دام ساح نگردیدم	When you saw that person walking behind the curtain you didn't stop him. Right?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	وقتی که صدای قاتل آمد همان کدام افغانی را نهیدید که بالای او بیکار شایر بود.	When you heard the sound of a gunshot you never saw any Afghans firing on Americans?
Witness	غیر. من در زمین افتادم و دیگران فراز کردند.	No. I fell down on the floor and others just escaped.
Interpreter	وقتی که همان صدای قاتل را نهیدید نه خود را به زمین اندادیدم	When you heard the gunshot you threw yourself onto the ground. Right?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	و هم از همکن گوشه گردید که از اطلاق ابرده بروز داشتند	And you did everything to get out of the room. Right?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	و هم فهادت دادید که آمریکایی ها در اینجا نشسته بودند که این نزدیک چون بودند.	And you testified that the Americans were sitting here with the wall, which is near the curtain. Right?
Witness	باز.	Yes.
Interpreter	و شنیدن انسانی که تذمیر می کردند	And you were able to see their guns. Right?
Witness	باز.	Yes.
Interpreter	و اگر کسی امریکایی در پشت بشد برده بیرون نمی کردند که بتوانند بینند.	And if Americans would walk behind the curtain you could see. Right?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	و وقتی که هم عیشویانه شدند که آنها را بینندند هم از اینجا نشسته بودند اینجا نشسته بودند.	And at the moment you could see them you were sitting here opposite to them. Right?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	و در اطلاع دیروبار بودند	And it was crowded in the room. Right?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	و در اینجا افغانها در مرکز اطلاع بودند؟	And there were Afghans near the center of the room. Right?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	و هم اینجا نشسته بودند باطریک شان عینک عدالت استاد شویند	And you were sitting down, as you can't stand up?
Witness	باز.	Yes.
Interpreter	بعد از صدای مردمی ایلنکور که به آنای سویفت گفتند، خواه دو تا امریکایی ما را در درون که عازیه صدیقی را بردند؟	When you heard the shots, after that, as you indicated to Mr. Swift, you saw two Americans take Afia Siddiqui out of the room. Right?
Witness	باز.	Yes.
Interpreter	خواه دیدید که زن ذرعی هم بودند	You saw the woman was shot. Right?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	و هم در دید که در پیش فود مردمی خوردند بودند	And you saw she was shot on her side. Right?
Witness	بلی، شاید او را خوردند و اند من زیاد ندانیدم. خون از او بیرون نهاد و این دو دلتار او را گرفته بودند.	Yes. I think she was shot here, couldn't see more. She was bleeding when two soldiers were holding her.
Interpreter	دو عسکر او را ببردند؟	Two soldiers were carrying her. Right?

Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	وقتی که این می خواستید که از اطاق بیرون بیایید دیگران را دیگر نمی خواستید؟ بلی.	When you wanted to get out of the room you indicated that people walked over you. Right? Yes.
Witness	بلی.	Do you remember anybody stepping on your back?
Interpreter	بلی. یاد دارید که کسی در پشت شما پای کشیده باشد؟	Yes. A heavy fat lady stepped on my back.
Witness	بلی. بیک زن جای در پشت من بیافراشت.	When you were outside of the room in the hallway, somebody helped you out. Right?
Interpreter	بلی. وقتی که در دلیلیت بودید یک کسی پای را کشیده بود که امانت دارید؟	Yes.
Witness	بلی.	Do you remember who it was?
Interpreter	بلی. بیاد دارید که کی بود؟ بشير بود یا نورالحق. ۴۷-۴۸ من	It was Bashir or Nur-ul-Haq. It was my son and Nur-ul-Haq helped me.
Witness	بلی.	What is your son's name?
Interpreter	بلی.	Mones.
Witness	بلی.	He helped you get out?
Interpreter	بلی.	Yes.
Witness	بلی.	Mr. Qadeer when Mr. Swift was asking questions, you testified that you hit Afia Siddiqui with your cane?
Interpreter	بلی.	Yes.
Witness	بلی.	Was that when she wanted to escape?
Interpreter	بلی.	Yes.
Witness	بلی.	How much time passed between when the Americans went behind the curtain and the sound of gunshot came?
Interpreter	بلی.	It was one or two minutes.

The following is the continuation of Mr. Abdul Qadeer's interview, found in DVD #2, scenes 5-9

Interpreter	وقتی که این صدای غاز را تجربه کردید که از پشت پرده است؟	When you heard the sound of the gunshot, you thought it was from behind the curtain?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	این این دست کجا بود آیینه FBI گفتند بودید که وقتی که قابو شد امروز کایی ها طرف پرده بخواستند؟	Is it true that you told the FBI agent- that when the shot occurred, Americans were diving towards the curtain side?
Witness	بلی.	No, I said as the American went there, the sound of the gunshot came.
	آیا این درست است که خدا در همایه خود گذشت بودید که قبل از شیخden صدای طاوس کدام امریکایی را تیرید که در پشت پرده بود؟	Is it true in your interview; you said that you never saw an American soldier walking behind the curtain before the gunshot?
Witness	بلی.	No, I said then American soldier went behind the curtain and the sound of a gunshot came.
Interpreter	و خدا با سارتووال امریکایی و آمر نمایی که در این باره میگویند کردید.	And you also talked to the American prosecutor and law enforcement agent about this?
Witness	بلی.	Yes.

Interpreter	د این در ماه اکتوبر 2008 چوو	This was October of 2008?
Witness	بله	Yes.
Interpreter	د سادتوال و امر آنها با مترجم وجود داشتند	And the prosecutor and their agent were with an interpreter?
Interpreter	بله	Yes.
Interpreter	د سادتوال و امداده ایشان کنند که آنها برای مصاحبه خواستند	And the prosecutor and the agent told you they were there to interview you?
Witness	بله	Yes.
Interpreter	و آنها به چه که ارتباط این با مسازل جنائي است	And told you this was in connection with the criminal trial. Right?
Witness	بله	Yes.
Interpreter	و تبیخ کنند که تا حد امکان مسازه ایشان بخواهند	They also told you that they needed as much information as possible. Correct?
Witness	بله	Yes.
Interpreter	د آفیا سیدقی خواست که شما را با ایجنه کنند و بودید که شما عاری باشید، صابق، را با نیزک امریکا گفتند	And is it true that you told the agent that you saw Afia Siddiqui with the American rifle?
Witness	چون	No.
Interpreter	د آفیا این دروغ است که شما در آن مصاحبه ۴۶ ثانیه که شما عاری بودیدی مرا با ایشان دیدید و میخواستم با ایشان حمله کنم	And is that true that during that interview, you saw the woman having a gun and wanting to kill others?
Witness	چون	No.
Interpreter	د آفیا از این حقیقت دارد که بعد از فلکن مدادی قایل شاهد بود که دود کنند که شما باید بپرسید بروید	And is that true that during that interview, you said to yourself- that you should get out of here after the sound of gunshot?
Witness	بلی همکی در شکر دویبن بودند و من هم	Yes, everyone wanted to escape and so did I.
Interpreter	آفیا به پیاد داکری که در آن مصاحبه خواهد شد اینجا باطیه که شما عاری شدن را دیدید که شما داشتید و میخواستید دیگران را باز بکشید	Do you remember, you said during that interview that you thought Afia Siddiqui had a gun and wanted to kill everyone?
Witness	غیر	No.
Interpreter	و آفیا فدیر آفیا این درست نیست که شما دیدید که آمریکاییان پشت کارپت دیدند امیر کاری داشتند	And Mr. Qadeer, isn't that true that you said you saw no Americans walking behind the curtain?
Witness	چون	No.
Interpreter	خوا در دوران مصاحبه را اینجا است که آنها که آنها دیدند امیر کاری داشتند امیر کاری داشتند	During that interview, at no point had you told the agent that the American walked behind the curtain and then came the gunshots?
Witness	غیر	No.
Interpreter	و شما وزارت دادگستری در این در پرونده محدث کردید	You also talked to the MOI about what happened. Right?
Witness	بله	Yes.
Interpreter	حال سوال من اینست که من میخواهم ببینم که آفیا امضا کیا در این اسناد غیر رس دویک است	Now my question at this point is: is this your signature on this paper?
Witness	بلی امضا من در اینجا است	Yes, my signature is there on it.
Interpreter	و شما این را اینجا کردید	And you signed this document?
Witness	بله	Yes.

Interpreter	آیا این این را بخواهد دارید که این را امضا کردد؟	Do you remember signing this document?
Witness	بله.	Yes.
Interpreter	آیا این حقیقت دارد که این استاد خلاصه تمام و مختصر در آن روز بود؟	Is that true that this document is the summary of the things that happened that day?
Witness	بله.	Yes.
Interpreter	آیا این درست است که زن قسمه این استاد را پیگویید که آن زن روی اسلحه منکر امریکایی خود زد و ملاحت را گرفت؟	Is it true that a part of this document says that the woman jumped on the American friend's ammunition and got a hold of their ammunition?
Witness	این نایبر توضیه باشد و این درست ذی صفات.	It may be written like that but it's not true.
Interpreter	ولی شما امضا کردید؟	But, you did sign it?
Witness	مدعاون رئاست سازمان امضا کرد.	The deputy director made me sign it.
Interpreter	ولی گوشه امضا کردید؟	But, you signed it?
Witness	بله.	Yes.
Interpreter	شما در حدود هفچ با شخص فخر دیگر را	You and five or six other people?
Witness	بله.	Yes.
Interpreter	آقای قادر خان را آقای سویفت خبرور ملاقات کردید؟	Mr. Qadeer, you met with Mr. Swift recently. Right?
Witness	با.	Yes.
Interpreter	دفعه آخر چه وقت ملاقات کردید؟	When was the last time you met?
Witness	نحویاً 15 روز پیش.	Approximately 15 days back.
Interpreter	این موضع بیان شماست که بازنشده در بود.	Was that your statement?
Witness	با.	Yes.
Interpreter	شما با عجیبین هم ملاقات کردید؟	Did you meet any investigators?
Witness	خیر.	No.
Interpreter	شما با آقای سویفت در کجا ملاقات کردید؟	Where did you meet with Mr. Swift?
Witness	در هتل جا.	Here, in this place.
Interpreter	این دور چهارم.	This hotel?
Witness	نه این بُلْدِی دریکر اینجا.	No, this other one, there.
Interpreter	شما با آنها درباره آیینه و فواره صحبت کردید؟	And you talked to him about what happened?
Witness	بله.	Yes.
Interpreter	شما با کدام وسیله به رستوران آمدید؟	For that meeting, how did you get here?
Witness	او خواست که بخواهد من هم در این رستورانه اتمام.	He said he wanted to meet and I came here to the restaurant,
Interpreter	این موضع شماست که شما در آن نقشه نشان دیدید	These are the marks that you have identified in this diagram. Right?
Witness	با.	Yes.
Interpreter	و شما کجا آیینه که جای مردم را در نمایش داشتید؟	And you identified the bullet holes here?
Witness	بله.	Yes.
Interpreter	و اون در وسط کلکین و دروازه است؟	And you said it is between the window and the wall?
Witness	بله.	Yes.

Interpreter	د این دفعه لیست مخابل جزو که چرده باز است	And this is exactly opposite to the place where the curtain was open. Right?
Witness	بلی	Yes,
Interpreter	د این جا در روزی مادر همان روز وقایع شد	And those bullet holes happened on the day of incident. Right?
Witness	بلی	Yes.
Interpreter	۱۴ میرزوم در موقع که عساکر امریکایی آمدند، آنها ۱۳ یا ۱۴ نفر بودند	Back to the time when the American soldiers came in, there were 13 or 14 of them?
Witness	بلی	Yes.
Interpreter	وقتی که امریکایی ها داخل احمد در آزاد بسیار بسیار بسیار بودند	When the Americans came, this room was crowded. Right?
Witness	بلی	Yes.
Interpreter	این عکس اینست که در آن روز شما در اینجا نشسته بودید	This is the picture on that day of where you were sitting, here. Right?
Witness	بلی	Yes.
Interpreter	د شما در نزدیک در اینجا در چهارم کوچه نشسته بودید؟	You were sitting here, on the diagram next to the couch. Right?
Witness	بلی	Yes.
Interpreter	وقتی که امریکایی ها داخل احمد رن در اینجا نشسته بودند	When the Americans came in, the woman was here behind the curtain. Right?
Witness	بلی	Yes.
Interpreter	در آن وقت او بسته نبود	At that time, she was not restrained. Right?
Witness	بلی	Yes.
Interpreter	و هیچ کسی در پشت چرده هزاره او بودند	And nobody was there with her behind the curtain. Right?
Witness	بلی	Yes.
Interpreter	شما گفتید که یک سپاهی را دیدید که در پشت چرده راند	You said you saw a soldier walk in there behind the curtain. Right?
Witness	بلی	Yes.
Interpreter	وقتی که سپاهی در پشت چرده راند، و شما خوب، استبداد که عاقیله صدری، دو بار قبل از این زادم به فرار گردید بودند	When the soldier went behind the curtain, you knew that Afia Siddiqui had tried to escape twice before. Right?
Witness	بلی	Yes.
Interpreter	د شما میدانستید که عاقیله صدری غیرخواست که به امریکایی دستیم بودند	You knew that Afia Siddiqui didn't want to be handed over to the Americans. Right?
Witness	بلی	Yes.
Interpreter	و دوبار قبلاً هم شما را تهدید کردند	And she had threatened you earlier. Right?
Witness	بلی	Yes.
Interpreter	و همیشه آن سرباز را از این حذف نکردند	You never warned the soldier about this fact. Right?
Witness	بلی	No. I can't say anything to the Americans.
Interpreter	شما به آن امریکایی چیزی به امریکایی نمیگویید.	So, you didn't say anything to that soldier?
Witness	بلی	No.
Interpreter	بیش کوئی دیگر هم از آن امریکایی چیزی نکفته	No other Afghan in the room said anything to that soldier. Right?

Witness	غیره.	No.
Interpreter	و هماید عاقبہ صدیقی، وعده کردہ بودید که هماید را در اینجا نهاده کارانه با تمامی غصه خود بگردید.	And you had promised that you would not hand her over to the Americans. Right?
Witness	بله.	Yes.
Interpreter	وقتی که من آن شخص را بینید که میخواهد در پشت پرده هماید را از دست بگیرد چه کردید؟	When you saw that person walking behind the curtain, you didn't stop him. Right?
Witness	بله.	Yes.
Interpreter	وقتی که سمعان فایبر آمد هماید کدام افراد افغان را تیراند که با ای امریکایی تایپ کرد؟	When you heard the sound of a gunshot, you never saw any Afghans firing on Americans?
Witness	غیره. من در زمین افتادم و دیگران لوار کردند.	No, I fell down on the floor and others just escaped.
Interpreter	وقتی که اما سمعان فایبر را دیدید کجا بود راه به زمین افتاده بود؟	When you heard the gunshot, you throw yourself onto the ground. Right?
Witness	بله.	Yes.
Interpreter	و هماید هر چنان کوشش کردید که از اطاعت بیرون بگردد؟	And you did everything to get out of the room. Right?
Witness	بله.	Yes.
Interpreter	و هماید همراهان دارو دیگر افراد امریکایی را در اینجا (شنبه) بودند که این ازدیک پرده بود.	And you testified that the Americans were sitting here on the wall, which is near the curtain. Right?
Witness	بله.	Yes.
Interpreter	و هماید میتوانستید که تقاضا کنند آنها را ببینید؟	And you were able to see their guns. Right?
Witness	بله.	Yes.
Interpreter	و اگر کسی امریکایی در پشت پرده بوده بود، هماید هم میتوانستید این را ببینید؟	And if Americans would walk behind the curtain you could see. Right?
Witness	بله.	Yes.
Interpreter	وقتی که من همچون کشیده که آنها را بینید پرده پنهان شد در مقابل آنها در اینجا نشسته بودم.	And at the moment you could see them, you were sitting here opposite to them. Right?
Witness	بله.	Yes.
Interpreter	و در اینجا افغانها در مرکز اتاق بودند؟	And it was crowded in the room. Right?
Witness	بله.	Yes.
Interpreter	و در اینجا افغانها در مرکز اتاق بودند؟	And there were Afghans near the center of the room. Right?
Witness	بله.	Yes.
Interpreter	و هماید اینجا نشسته بودید، چه امریکایی هم انتظاری کنید شوید؟	And you were sitting down, as you can't stand up?
Witness	بله.	Yes.
Interpreter	و بعد از مذاہ مردمی اینطور که به اقای سویفت گفتید، هماید دو آمریکایی را راه بینید، افیا سیدیقی را برداشتند؟	When you heard the shots, after that, as you indicated to Mr. Swift, you saw two Americans take Afia Siddiqui out of the room. Right?
Witness	بله.	Yes.
Interpreter	من دیدم که زن زخم شده بود.	You saw the woman was shot. Right?
Witness	بله.	Yes.
Interpreter	و هماید دیدید که در یکی خود مردمی خوردده بود؟	And you saw she was shot on her side. Right?

Witness	زنی، شارد اینچه خوردہ بیافد من زیاد ندیدم. حین از میزین و قتی که دوست او را گرفته بود.	Yes, I think she was shot here, couldn't see more. She was bleeding when two soldiers were holding her.
Interpreter	دو سر بر او را میبرند؟	Two soldiers were carrying her. Right?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	وقتی که شما میخواستید از اتاق بیرون بپاشید دوکاران روی شما گذاشتند و دوست دادند	When you tried to get out of the room you indicated that people walked over you. Right?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	بده یاد دارید که کسی در پشت شما گذاشتند؟	Do you remember anybody stopping on your back?
Witness	بلی، یک زن چاع در پشت من بای کشید.	Yes, A heavy fat lady stepped on my back.
Interpreter	وقتی که در دهکش زدید و دیدم که کسی شما را کشید و دیدم که انسان شوید؟	When you were outside of the room in the hallway, somebody helped you out. Right?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	بده یاد دارید که کی بود؟	Do you remember who it was?
Witness	بنادر بود یا نورالحق، بجه من بود و نور الحق.	It was Bashir or Nur-ul-Haq. It was my son and Nur-ul-Haq helped me.
Interpreter	اسم شویں زان جیسے؟	What is your son's name?
Witness	منوس.	Monos.
Interpreter	او شما را کمک کردند؟	He helped you get out?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	آنای قدریز شما در وقتی بیرونی به آنای مورخون کی دید که همای کان عائیه مورخون را زدیدند	Mr. Qadeer, when Mr. Swift was asking questions, you testified that you hit Afia Siddiqui with your cane?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	آنی اون دلایل دید که او عیغوان است و فرار کردند	Was that when she wanted to escape?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	چقدر وقت گذشت بین این آیه امریکایی پشت چتره رفته و هدای قابو آمد.	How much time passed between when the Americans went behind the curtain and the sound of gunshot came?
Witness	یک یا دو دقیقه.	It was one or two minutes.

Last part of Mr. Abdul Qadeer interview, found in the beginning of DVD 3, continuation of the above

Role	Dari Transcription	English Translation
Interpreter	آبا چنان یکی از کسانی مصتبند که در اینه اظهاراتنامه امضا کرده اند	Are you one of those who signed on this statement?
Witness	بلی.	Yes.
Interpreter	آبا این را کجا نوشته کردید؟	Did you write it?
Witness	نیز.	No.
Interpreter	این را کیم نوشته؟	Who wrote it?
Witness	معاذن روزگاری	The deputy director.
Interpreter	آبا چنان احسان غریب که نمایند امضا کنیدند	Did you want to sign it?
Witness	نیز.	No.
Interpreter	به چرا امضا کردیدم؟	Why did you sign it?

Witness	این نامه در آغاز توهنه نداشتم و وقتی که ممکن شدند این را بگفتند او بیک انتہاری است. و در آخر که معلوم شد که او انتہاری نیست من پسندیدم که جرا امضا کردم.	This letter was written in the beginning, when she was said to be a suicide bomber. At the end when it was clear that she wasn't, I regret why I signed it.
Interpreter	آیا دروز امروز همان قاضی ری در وظیفه خواهد کرد؟	Testifying here today, are you worried that it is going to affect your career?
Witness	خیر	No.
Interpreter	وقتی ۱۵:۰۰ با FBI صحبت کردند آنها چی پرسی کردند؟	When you talked to the FBI what did they ask?
Witness	در باره میون ۴ ایام دو من هم همینطور ۵ و ۶ هما جواب دادم به آنها هم جواب دادم.	Same as you, they asked about this case and I answered them.
Interpreter	وقتی که آنها اول فنا سوال میکردند توپهه هم میکردند؟	When they asked you questions- did they also write it down?
Witness	خیر	No.
Interpreter	آیا امروز هم مثل امروز در آنجا بودم؟	Was there any translator like today?
Witness	بلی متوجه بودم. دفعه اول بیک نه بود که کمراه داشتم و این عکس ها را گرفت و گفت این او از سازمان امنیت امریکا است. و دفعه دوم دو زن و مرد پروردگارهای بیک دادند و این عکس را هم همانجا آنها دادند. این از روی عکسی که من دادم عکس گرفته.	Yes, there was a translator. The first time it was a lady with a camera; she took these photos and said she was from the Attorney General of America. I have given them this photo. That picture is taken from my picture actually.
Interpreter	وقتی که متوجه صحبت های FBI را به مأمور FBI ترجمه نمیکردند چی ترجمه میکردند؟ من چه کنم باید کی چی ترجمه میکردند؟	When the translator was translating for you to the FBI, could you understand what was he translating? How would I know?
Witness	و هم کدام جانشی تذبذب دارد که این او قرآنی خط کوره باشد. ما تنرا درسته کنید؟	So you didn't have chance to correct the mistranslation?
Witness	خیر	No.
Interpreter	در رابطه با چاهه مرمی از چه کدام کدام نرمی هم آخرا بودند؟	With regard to the bullet holes, is it here? Were there any bullets there?
Witness	من یک جزوی بیکوبیم که بجندید. من ۳ ماه اطلق خود را میگذرم گذاشتند بودم چنانتریکه ۳ بار در هر ماه یک کسی میباشد و دوباره را میگذرد که ببینند و چیزی بدانند. هشت ۴۰۰ دلار برای خرج قالیبه دفتر من دادند که از کلتن دیوار خراب شده بود. ولی کدام نرمی نباشند.	Let me tell you something funny! I had named my room as a museum because 3 times in a month a person would come and find something in the wall. They would dig the walls to get something. Even my carpet was destroyed and they paid \$ 400 for the carpet in my office, BUT couldn't find any bullet there.
Interpreter	کدام نرمی در آغا دیدیدند؟	Did you see any bullets there?
Witness	آنها چه نهان نمیدادند. بیک کسی میباشد و میباشد اگر جزوی بیندازند پسندیدم یافتد من غاید ام. ولی وقتی که من ۳ چارچه کوچک را بیندازند کردم زمین درایش دادم.	Actually the coalition forces did not show me anything. Some specialists had come and searched, if they have found anything I don't know. But when I found 3 shells I officially gave it to them.
Interpreter	از کجا پیدا کردیدند؟	Where did you find them?
Witness	از از اجرا. (در نقشه)	From here (in the map).
Interpreter	آبا به چه کسی کیست که گین سوداچ های نرمی این را ها خودتگان	Did anybody tell you that those were bullet holes or you saw them?

Witness	خود من خودم دردم. آنها مدعاو نه و دیوار را گندن نا طرف دیگر دیوار سوراخ نه.	No, I saw it myself. They came to my office and then dug into the wall all the way to the other side even.
Interpreter	چنان دیدید که آن جایه همه ی دیوار را چون خردم دیوار را میگندن خوا فکر نمودید که آن جای هرمن احمد	Did you see the bullet places or because people were digging into the wall you thought it was bullet holes?
Witness	بلی آنها سوراخ هایی را بینالبین.	They were looking inside the bullet holes.